

جانبداری در کلیسا

کنت باترفیلد

به نظر می‌رسد جانبداری موضوعی است که در کلیسای اولیه مطرح بود، زیرا با کسانی که ثروت یا مقام بالاتری داشتند نسبت به دیگران رفتار بهتری داشتند. یعقوب رسول بر علیه اینگونه انگیزه در رساله‌ی خود گفت:

ای برادران من، ایمان خداوند ما عیسی مسیح، ربّ الجلال را، با ظاهر بینی مدارید. زیرا اگر به کنیسه‌ی شما شخصی با انگشتی زرین و لباس نفیس داخل شود و فقیری نیز با پوشاک ناپاک درآید؛ و به صاحب لباس فاخر متوجّه شده، گویند: «اینجا نیکو بنشین» و به فقیر گویند: «تو در آنجا بایست یا زیر پای انداز من بنشین»، آیا در خود متردّد نیستید و داوران خیالات فاسد نشده‌اید؟ (رساله‌ی یعقوب ۲: ۱-۴)

او به سخنانش ادامه می‌دهد:

اما اگر آن شریعت ملوکانه را برحسب کتاب بجا آورید، یعنی «همسایه‌ی خود را مثل نفس خود محبت نما»، نیکو می‌کنید. لکن اگر ظاهر بینی کنید، گناه می‌کنید و شریعت شما را به خطاکاری ملزم می‌سازد. (آیه‌های ۹-۸)

یک راه حل اولیه برای جانبداری

جالب است که از دوازده رسول اصلی، چهار نفر ماهیگیر و یک نفر جمع‌کننده‌ی مالیات بودند، و نمی‌دانیم که بقیه پیش از آنکه مسیح آنها را فرا بخواند چه کاری انجام می‌دادند. خداوند از آن شاگردان «بی‌سواد» استفاده کرد تا تسریع‌کننده‌ای برای تشکیل کلیسای جهانی باشند. کلید اصلی آن، وفاداری، کار روح‌القدس، و موعظه و به صلیب کشیدن مسیح بود. زیبایی کتاب اعمال رسولان این است که رشد جامعه‌ی مسیحی را به ترتیب اول در اورشلیم، سپس در یهودیه، پس از آن در سامره و بعد در سراسر سرزمین روم مورد توجه قرار می‌دهد.

حادثه‌ای اتفاق افتاد که تا حدودی جامعه‌ی مسیحی را چند پاره کرد و برای مدت زمانی سبب صدمه‌ی عمیقی شد، این از هم‌گسستگی از جانبداری نشأت گرفت. این حادثه در اعمال رسولان باب ۶ ثبت شده است، جایی که بیوه‌های هلنیستی از جانب کلیسا نادیده گرفته شدند:

و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلنیستیان از عبرانیان شکایت بردند که بیوه‌زنان ایشان در خدمت یومیه بی‌بهره می‌مانند. (آیه ۱)

به احتمال زیاد بدرفتاری با هلنیست‌ها غیرعمدی بود، اما به بیوه‌های عبری اهمیت داده می‌شد، درحالی‌که بیوه‌های یونانی‌زبان مورد توجه نبودند. این رفتار نشان‌دهنده‌ی تبعیض بود و وقتی که ما تبعیض قائل شویم مسلماً کسی صدمه می‌بیند. راه حل مسأله، انتخاب هفت مرد با ایمان برای رسیدگی به نیازهای این زنان بود، بنابراین پیشینیان شماس‌ها برای خدمت‌رسانی به فقرا و بیماران، اول آنها که اهل خانه‌ی خداوند بودند و سپس آنان که خارج از ایمان بودند، منصوب شدند (غلاطیان ۶: ۱۰).

ارزش افراد

کلیسا جامعه‌ای است که توسط خداوند ایجاد شده تا همه را دربر بگیرد. ابتدا به ما توصیه شده است که با تمام قلب، ذهن، روح و قدرت خود به خداوند محبت بورزیم (مرقس ۱۲: ۳۰). از این گونه محبت ورزیدن به خداوند، محبت به برادران (اول یوحنا ۴: ۲۱) و همسایگان ما جاری می‌شود. خداوند با همه یکسان رفتار می‌کند؛ او در عهد فیض جانبداری نشان نمی‌دهد. پس چرا ما اشخاص را قضاوت می‌کنیم؟

پیش‌داوری در مورد یک فرد به معنی تعیین ارزشمند بودن یا بی‌ارزشی اوست. معمولاً افراد با ارزش، معلم با استعداد، عضو ثروتمند و خانواده جوانی هستند که فرزندان یا سایر خانواده‌های جوان را به ارمغان می‌آورند. نیازمندی که زمان زیادی را می‌گیرند و نیاز به شاگردسازی زیادی دارند، اغلب در کلیسا، بی‌درنگ مورد لطف قرار نمی‌گیرند. این فرد ارزشمند کجا مرد یا زن بیوه‌ی سالمند را رها می‌کند؟ او می‌تواند بهترین جنگاور دعا و دوستانه‌ترین خوش‌آمدگوی افراد جدید باشد. مقدسی هفتاد ساله یا بیشتر که در همه‌ی زندگی‌اش از خداوند پیروی و برای جلال و عظمت خداوند زندگی کرده است گواهی قدرتمندی بر برکات خداوند و محبت ازلی وی به مقدسین خود است. برای آن فرزندان که در کلیسای ما هستند و در خانواده‌ی خونی خود پدر بزرگ و مادر بزرگ ایمان‌دار ندارند، دیگر مقدسین سالخورده‌ی کلیسا تا حد زیادی این نقش را برای آنها بازی می‌کنند. مجردهایی که با افراد جدید دوستانه رفتار می‌کنند، به مسن‌ترها کمک می‌کنند و زمان خود را به خدمت اختصاص می‌دهند و یا در پروژه‌های کاری شرکت می‌کنند، اهمیت بی‌اندازه‌ای برای بدن مسیح دارند.

یک بدن، چندین بخش

رساله‌ی رومیان باب ۱۲ این را به ما می‌آموزد که درک کنیم افراد مختلف استعدادهای ذاتی متفاوتی دارند، اما همگی ما بخشی از بدن مسیح هستیم. دست نباید چشم را تحقیر کند و گوش نباید پا را خوار بشمارد. همه‌ی ما اهمیت داریم، زیرا که جواهرات تاج مسیح را تشکیل می‌دهیم (ملاکی ۳: ۱۶-۱۸). می‌توانیم به‌آسانی به فرد جدید توجه نشان دهیم، شخصی که فکر می‌کنیم ممکن است چیزی شگفت‌آور و بسیار ضروری را به زندگی جماعت کلیسایی وارد کند. ممکن است بازرگان خبره یا فرد دانشگاهی ماهر را بیشتر از شخص دانشجو، بازنشسته یا جوان تحسین کنیم.

آیا می‌توانید تصور کنید در آسمان تبعیض گذاشته شود؟ آیا مقدسین قرن بیست و یکم از هم‌صحبتی با مقدسین عامی، فرض کنید متعلق به قرن هفتم پیش از میلاد، اجتناب خواهند کرد؟ این کنارهم بودن یک تصویر مضحک می‌سازد، اینطور نیست؟ بنابراین، چرا این نامربوطی را در زمان حال ایجاد کنیم؟ مسیحیان در شباهت مسیح احیا می‌شوند و می‌توانیم و فراخوانده می‌شویم تا همه‌ی افراد را صرفنظر از وضعیت، جایگاه یا سابقه‌ی آنها بپذیریم. عیسی مسیح در خدمت زمینی خود به سراسر اسرائیل رفت. هم از ایمان‌داران مراقبت می‌کرد و هم به غیرایمان‌داران توجه می‌نمود. نسبت به همه ابراز دلسوزی و مهربانی می‌کرد. او تبعیض قائل نمی‌شد، چرا که خداوند جانبداری نشان نمی‌دهد (غلاطیان ۲: ۶).

ما در خانواده‌ی خداوند پذیرفته شده‌ایم. اگر ایمان‌داران واقعی باشیم خداوند ما را دوست می‌دارد. آیا نباید محبت عادلانه‌ای نسبت به آنان که خواستار مسیح هستند، و به ویژه آنان که اهل ایمان هستند، داشته باشیم؟

کشیش کنت باترفیلد، شبان اولین کلیسای اصلاح‌شده پرزبیتری در دورهام نیوجرسی است.

این مقاله در مجله [تیپیل تاک](#) منتشر شده است.